# امیر کبیر در مقابل

# باب و بهاء

علی ابوالحسنی

بسم الله الرحمن الرحیم

# امیرکبیر در مقابل باب و بهاء


نویسنده:

علی ابوالحسنی (منذر)



ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# امیر کبیر در مقابل باب و بهاء!

## مشخصات کتاب

بر گرفته از:

(بهاء الله؛ دوستان و دشمنان سیاسی)

مؤلف: علی ابوالحسنی (منذر)

## مقدمه

یکی از طرق شناسایی ماهیت و مواضع سیاسی میرزا حسینعلی بهاء، مؤسس بهائیت، بررسی روابط و مناسباتش با رجال عصر خویش است. وضعیت فکری و سیاسی رجالی که با او در «پیوند» یا «ستیز» بوده‌اند، نشان می‌دهد که بهاء، در چه خطی سیر می‌کرده: خط دفاع از مصالح ایران یا خیانت به آن؟ خط ستیز با دشمنان استقلال ایران یا وابستگی به بیگانگان؟ به عنوان نمونه، مرحوم امیر کبیر با بهاء، دشمن بلکه از سخت‌ترین دشمنان او و یارانش بود و متقابلا میرزا آقاخان نوری (جانشین «انگلوفیل» امیر) از دوستان صمیمی بهاء بود و برای حفظ جان او تلاش‌ها کرد. مقاله‌ی زیر، روابط و مناسبات امیر و آقاخان با پیشوای بهائیت را (بر پایه‌ی اسناد و مدارک معتبر) بررسی می‌کند:

## بزرگوار مردی بود

قائم مقام فراهانی - صدر اعظم شریف، ضد استعمار و شهید عصر قاجار، که در تیزبینی سیاسی و نکته‌دانی ادبی، شهره‌ی تاریخ است. میرزا تقی‌خان امیر کبیر را از کودکی می‌شناخت. چه، پدرش (کربلایی قربان) همشهری و خدمتگزار قائم مقام بود و تقی کوچک نیز در مجلس درس فرزندان قائم مقام شرکت می‌جست. قائم مقام، تقی نوجوان را (به لحاظ استعداد) بر پسران خود ترجیح بسیار می‌نهاد و یک روز که با مشاهده نامه‌ای از امیر، از نکته‌سنجی وی سخت به شگفت آمده بود، به یکی از دوستانش چنین نوشت: «حقیقت، من به کربلایی قربان حسد بردم و بر پسرش می‌ترسم... این پسر خیلی ترقیات دارد و قوانین بزرگ به روزگار می‌گذارد».

## میرزا تقی خان بی‌همتا است

بد نیست داوری رابرت واتسون، عضو مهم سفارت انگلیس (سفارتی که در توطئه بر ضد امیر، پیشگام بود) را نیز در مورد امیر بشنویم: «در میان همه رجال اخیر مشرق زمین و زمامداران ایران که نامشان ثبت تاریخ جدید است، میرزا تقی‌خان امیر نظام بی‌همتا است. دیوجانس [حکیم وارسته و مشهور یونانی] روز روشن با چراغ در پی او می‌گشت. به حقیقت، سزاوار است که به عنوان «اشرف مخلوقات» به شمار آید. بزرگوار مردی بود» [۱] . همو درباره امیر می‌نویسد: «میرزا تقی‌خان بر آن شد که نیکبختی مادی مردم را فراهم کند و تمایلات نکوهیده آنان را مهار گرداند. این وزیر، هدفی از آن هم عالی‌تر داشت؛ هر آینه تدابیرش استمرار می‌یافت، در اخلاق و کردار ایرانیان تغییری اساسی و ریشه‌دار تحقق می‌پذیرفت» [۲] .

## روادار، اما نه با دین سازان وحدت شکن

تاریخ ایران، میرزا تقی‌خان امیرکبیر را رادمردی اصلاح‌گر می‌داند که عاشق پیشرفت و تعالی ایران بود و جان بر سر دفاع از آزادی و استقلال کشور گذاشت. مورخان، عموما درباره‌ی اخلاق وارسته، و درایت و کفایت سیاسی امیر اتفاق نظر دارند و در شرح خدمات بزرگ او در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی و قضایی، و تکاپوی مؤثرش در اصلاح امور شهری و اخلاق مدنی، اخذ دانش و تجارب مثبت غربی، و تقویت بنیادهای صنعت و اقتصاد ملی، داد سخن داده‌اند. بر این همه، باید مدارا و رواداری وی با اقلیت‌های رسمی کشور، و تلاش در حفظ حقوق شهروندی آنان را افزود. حسن مرسلوند، پژوهشگر معاصر، می‌نویسد: «در برخورد با اقلیت‌های دینی، امیر به نوعی مدارای دینی معتقد بود و تلاش می‌کرد تا معتقدان مذاهب گوناگون، تحت حمایت دولت ایران با آسودگی خیال زندگی کنند» [۳] این پژوهشگر ایرانی، در تأیید نظر خود به سخن لیدی شیل (همسر سفیر انگلیس در ایران) و نیز فرمان امیر به حکام یزد و خوزستان در سفارش به رعایت حقوق اقلیت صابئی و زردشتی، استناد می‌کند. لیدی شیل، پناهندگی برخی از زردشتیان ایران (برای مصون ماندن از تعرض مخالفین خود) به باغ سفارت بریتانیا در تهران را، در زمان صدارت امیر رو به کاهش می‌داند و می‌نویسد: «در حال حاضر» این پناهندگی «خیلی کمتر از سابق شده، چون صدراعظم فعلی [امیرکبیر] مرد بسیار انسان‌دوستی است و علاقه‌ی زیادی به جلب محبت این جماعت بی‌پناه که سابقا از آزار و شماتت حکمرانان محلی و تعصب و تنفر بی‌جا صدمات فراوان کشیده‌اند دارد». امیر در نامه به حاکم یزد (ذی‌حجه‌ی ۱۲۶۵ ق) نیز می‌نویسد: «چون هر یک از مذاهب مختلفه و ملل [ادیان] متنوعه که در ظل حمایت... این دولت ابد آیت غنوده‌اند، مشمول عواطف خسروانه... می‌باشند، لهذا در این وقت که... موبدان موبد نامدار» حضور شاه رسیده و خلعت گرفته و اجازه‌ی بازگشت به یزد را یافته، «کمال رعایت و حمایت» را «درباره‌ی او و طایفه‌ی» زردشتی «به عمل آورده، جزیه‌ی آنها را» به میزان مقرر شده، ملا ـ بهرام کلانتر در پایتخت به مسئول این امر برساند «و آن عالیجاه» چیزی بابت این امر از آنان مطالبه نکرده و «طوری با مشارالیه و طایفه‌ی مزبور رفتار» کند که «در کمال آسودگی و فراغت مشغول رعیتی خود بوده، به دعاگویی دولت قاهره اشتغال نمایند». همین توصیه را در منشور امیر به حاکم خوزستان (رمضان ۱۲۶۶ ق) در مورد جلوگیری از آزار برخی کسان به اقلیت صابئی آن دیار مشاهده می‌کنیم [۴] . آری، امیر، با همگان روادار و مداراگر بود، اما البته حساب آشوبگرانی را که وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر می‌افکندند (خواه حسن‌خان سالار، و خواه حسین بشرویه‌ای و محمد علی زنجانی) از توده‌ی ملت جدا می‌ساخت و با آنان بدان گونه برخورد می‌کرد که حفظ کشور در آن شرایط خطیر و شکننده‌ی تاریخی، و طمع و تجاوز دشمنان زورمند خارجی، اقتضا می‌کرد. جان کلام را مرسلوند به خوبی آورده است: امیر، به رغم «مدارای دینی» با اقلیت‌های رسمی، «در برخورد با دین آوران جدید، یعنی سید علی‌محمد باب و پیروانش، هیچ گونه نرمش و مدارایی از خود نشان نداد. او با دین‌آوری به مقابله برخاست، زیرا که آن را مغایر با وحدت ملی و استقلال ایران می‌دانست» [۵] .

## نقش بی‌بدیل امیر در سرکوب بابیت

از نابختیاری‌ها و بدشانسی‌های بابیان و بهائیان، آن است که تاریخ، اعدام باب و سرکوب قیام پیروانش در دوران قاجار را عمدتا به پای شخصیتی می‌نویسد که تحلیل‌گران تاریخ (اعم از ایرانی و خارجی) نوعا وی را شخصیتی وطن‌خواه، اصلاح‌طلب و ضد استعمار می‌شناسند: شادروان میرزا تقی‌خان امیر کبیر! مهدی بامداد، یکی از اقدامات امیرکبیر در زمان صدارت را، در کنار «اصلاح امور مالیاتی – ارتش – تنظیم بودجه و تعدیل جمع و خرج مملکتی»، «قلع و قمع فتنه» تجزیه طلبانه «حسن‌خان سالار در خراسان»، «بر افراشتن بیرق ایران در ممالک خارجه»، «تأسیس دارالفنون» و «ایجاد روزنامه وقایع اتفاقیه»، «فرو نشاندن انقلاب بابیان» می‌داند [۶] و با اشاره به «شورش‌ها و انقلابات خونین» پیروان باب در ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه در کشور می‌نویسد: «اگر عرضه، کفایت، درایت، لیاقت و مدیریت... امیرکبیر در امور نبود غائله و دامنه شورش‌ها به این زودی‌ها خاموش نمی‌شد و در این صورت

حتمی بـود که وضع دولت و ملت ایران دگرگون می‌گردیـد». [۷] دکتر عبدالحسـین نوایی نیز نقش امیر در سـرکوبی بابیه را بسیار تعیین کننـده می‌دانـد: «میرزا تقی‌خـان... بـا قتل باب در تبریز و سـرکوب کردن فتنه زنجان و نی‌ریز، بساط باب را در ایران واژگون سـاخت و نگـذاشت که ریشه فساد بیش از این در این سـرزمین جای‌گیر گردد» [۸] . نقش بی‌مانند امیر در سـرکوب شورش بابیان، مورد تأیید و تصـریح مورخان بابی و بهائی نیز هست. نورالدین چهاردهی، پژوهنده تاریخ باب و بهاء، «از بزرگان ازلی‌ها و بهائی‌ها شنیـده است که باب و افراد حروف حی [هجـده تن یار اولیه و برجسـته باب] همگی درصدد تغییر رژیم قاجاریه بوده و به جای آن، تمامی قوای خود را مصـروف برپا شـدن حکومت بیان [کرده] بودند و اگر... امیرکبیر نبود مسلما به مقصود خود می‌رسیدند» [۹] . عبدالحمید اشـراق خاوری (نویسنده و مبلغ مشهور بهائی) می‌نویسد: امیر «در مدت سه سال صدارت خود با تمام قوا کوشید تا... امر باب را از روی زمین محو و نابود سازد. برای نیل به این مقصود» فرمان «به قتل سید باب» داد «ولی عاقبت جز خسران، ثمری از رفتار ناهنجار خویش نگرفت» [۱۰] وی سپس به اقدام قاطع امیر در سال‌های نخست صدارت به سـرکوب آشوب بابیان در نقاط مختلف کشور اشـاره می‌کنـد که به گفته او: «سبب شـد که مردم در هر شـهر و بلـد اقتـدا به وزیر شـریر نموده به اذیت و آزار اهـل ایمـان» بپردازند [۱۱] سـنخ این مطالب را در آثار دیگر مورخان شاخص بهائی (نظیر محمـدعلی فیضـی و فضل‌الله مازندرانی) و حتی عباس افنـدی (پیشوای بهائیت) نیز مشاهـده می‌کنیم [۱۲] به قول ویلیام‌هـاچر و دوگلاس مـارتین، مورخـان بهائی معاصـر: «میرزا تقی‌خان صـدراعظم ایران... مقتدرترین دشـمن امر بدیع [مساوی بهائیت] شـمرده می‌شود» [۱۳] . امیرکبیر، حسـینعلی بهـاء را نیز در ۱۲۶۷ به کربلا تبعید کرد [۱۴] و دایی و سرپرست باب (حاجی سـید علی تاجر شـیرازی) را نیز که در توطئه ترور امیر با بابیان همـدست بود دستگیر و، به علت عدم اظهار توبه، به مجازات رساند [۱۵] . بابیان درصدد ترور امیر نیز برآمدند، که البته با هشیاری و درایت وی، دسـتگیر و به جزای عمـل خـود رسیدند [۱۶] . جـالب ایـن اسـت کـه، حواریـون و یـاران بـا وفـای امیر نیز نظیر آیت‌الله حـاج شـیخ عبدالحسـین تهرانی (وصـی امیر)، میرزا هـاشم طباطبایی (منشـی مخصوص امیر)، سـردار مکری (داماد امیر)، مؤتمن الملک انصاری (کاتب سـر امیر) سـخت با بابیه و بهائیه مخالف بودنـد و در قلع و قمع ریشه‌های آن در ایران و عراق اهتمام شایان داشـتند. (ایام: در این بـاره، در مقـاله «پایـداری یـاران امیر» بحث شـده است.) بی‌جهت نیست که، با عزل و قتل امیرکبیر، راه برای تاخت و تاز مجـدد بابیان باز شـد و میـدان را تا آنجا برای پیشبرد اهـداف خود فراهم دیدنـد که تا مرز ترور (نافرجام) شاه نیز پیش رفتنـد. عباس امانت (مورخ بهـائی تبـار معاصـر) می‌نویسـد: «بابیان، پس از شـکست‌های فجیع در مبارزات قلعه طبرسـی و در شـهرهای نیریز و زنجان، و متعاقبا اعـدام باب در شـعبان ۱۲۶۶ در تـبریز، سـخت روحیه خود را بـاخته بودنـد، ولی پس از سـقوط دولت امیرکبیر مجـال یـافتند تجدیـد سازمان یابنـد و بخش‌هایی از شـبکه خود را بازسازی کنند» [۱۷] سـلیمان خـان تبریزی (از عناصـر اولیه و مهم بابیه، که در جریان ترور نافرجام ناصـرالدین شاه دستگیر و به مجازات رسید) پس از عزل و تبعید امیر به کاشان در نامه‌ای به سید جواد کربلایی (از فحول بابیـان) نوشت: «امیر نظـام بحمـدالله تمـام شـد، معزول ابـدی گردیـد. الاـن در باغ فین کاشان محبوس است. میرزا آقاخان اعتماد الـدوله وزیر و صـدراعظم گردیـد. ان شاءالله امورات، بهتر نظم خواهـد گرت. البته جناب ایشان [حسـینعلی نوری] باید خیلی زود تشـریف فرما شونـد که وجود مبارک ایشان مثمر ثمر است» [۱۸] بایـد گفت، نه تنها با اخراج امیر از صـحنه، میدان برای تنفس مجدد بابیان باز شد، اصولا جانشـین امیر، میرزا آقا خان نوری (که «تحت الحمایه» انگلیسی‌ها بود) از دوستان صمیمی حسینعلی بهاء بود و از بهـاء که توسط امیرکبیر به عراق تبعیـد شـده بود رسـما دعوت کرد که به تهران برگردد و پس از بازگشت نیز او را توسـط برادرش مـورد پـذیرایی گرم قرار داد و حـتی پس از ترور نافرجـام شـاه، و بگیر بگیر افراد، در مقـام مخفی کردن بهـاء (که متهم به همـدستی با تروریست‌ها بود) برآمـد، که البته بهاء با احساس خطر شدیـد، پیشـنهاد میرزا آقاخان را نپذیرفته و خود را به خانه شوهر خواهرش میرزا مجیـد آهی (منشـی سـفارت روسـیه) رساند و سـفیر روسـیه (پرنس دالگوروکی) نیز بهاء را تحت حمایت آشـکار و پیگیر خویش قرار داد. (ایام: شـرح مطلب در مقاله «بحثی در مناسـبات حسـینعلی بهاء و روسـیه؛ پیونـد دیرپا با اسـتعمار تزاری آمده

است).

## امیرکبیر، آماج کینه بهائیان

مرحوم امیر، با سرکوب قاطع فتنه بابیان و اعدام باب و تبعید بهاء همراه با انجام برخی اصلاحات سیاسی - اجتماعی در کشور در چند سال نخست سلطنت ناصرالدین شاه، برای همیشه راه را بر پیشرفت این گروه در تاریخ ایران سد کرد. این نقش بی‌بدیل، چنان که دیدیم، از چشم بابیان و بهائیان مخفی نمانده و او را آماج کینه‌توزی و فحاشی آنان ساخته است. به قول نورالدین چهاردهی: «بابی‌ها و بهائیان سرسخت دشمن آشتی ناپذیرند [کذا] و میرزا تقی‌خان امیرکبیر و ناصرالدین شاه را لعن فرستند و این دو تن را مانند یزید و شمر می‌نگرند». [۱۹] سخن دکتر فریدون آدمیت نیز مؤید اظهارات چهاردهی است: «امیر شورش بابیه را برانداخت. به قول شیل [وزیر مختار انگلیس در ایران، در گزارش به پالمرستون وزیر خارجه لندن، مورخ ۱۴ مارس ۱۸۵۱]پس از غائله [بابیان در] زنجان پیروان باب جرئت نکردند که صلح و امنیت عمومی را بر هم بزنند. اما بیکار ننشستند و پنهانی فعالیت داشتند؛ تا زمانی که اختلالی ایجاد نمی‌کردند، کسی را با آنان چندان کاری نبود، البته کینه امیر را در دل داشتند، کینه‌ای که در نوشته‌های همکیشان آنان، و بهائی و بهائی‌زادگان در ایران و آمریکا، هنوز منعکس است. بابیان توطئه کشتن شاه و امیر و امام جمعه تهران را چیدند، ولی امیر پرده از روی آن برداشت» و آن توطئه را در نطفه خفه کرد، که شرح آن در «المتنبئین» نوشته علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه آمده است [۲۰] . برای نمونه، عباس افندی می‌نویسد: «میرزا تقی‌خان امیر نظام... سمند همت را در میدان خودسری و استبداد بتاخت. این وزیر، شخصی بود بی‌تجربه و از ملاحظه عواقب امور آزاده. سفاک و بی‌باک و در خونریزی چابک و چالاک. حکمت حکومت را شدت سیاست دانست و مدار ترقی سلطنت را تشدید و تضییق و تهدید و تخویف جمهور می‌شمرد و چون اعلی حضرت شهریاری [ناصرالدین شاه] در سن عنفوان شباب بودند، وزیر به اوهامات غریبه افتاد و... بی‌مشورت وزرای دوراندیش، امر به تعرض بابیان کرد...»! [۲۱] . شوقی (نوه و جانشین عباس افندی) در هتاکی به امیر، راه جدش را رفته و در لوح قرن وی را «اتابک سفاک بی‌باک» و «امیر سفاک» خوانده [۲۲] و می‌نویسد: «اتابک اعظم، تقی سفاک و بی‌باک که حکم اعدام سید عالم را صادر نمود و جمعی از اصحاب را در مازندران و نیریز و زنجان و طهران شربت شهادت بنوشانید دو سال بعد... به سخط شهریار پرکین مبتلاـ گشت و در حمام فین به اسفل السافلین راجع شد. برادرش که در این عمل فظیع شریک و سهیم گشت در همان ایام به دار البوار راجع شد». [۲۳] همو در قرن بدیع، امیر را «وزیر بی‌تدبیر»! خوانده و پس از شرح اعدام باب به اهتمام او و برادرش (وزیر نظام) می‌گوید: «امیر نظام سفاک و بی‌باک، محرک اصلی شهادت حضرت اعلی [باب]... دو سال پس از این واقعه هائله با برادرش که همدست و معاضد او بود به هلاکت رسید و جزای اعمال سیئه خویش را به رأی العین مشاهده نمود». [۲۴] . به همین شکل، مورخان مشهور بهائی نظیر ابوالفضل گلپایگانی، اشراق خاوری و فیضی در آثارشان امیر را از طعن و دشنام بی نصیب نگذاشته‌اند. اشراق خاوری امیر را «وزیر نادان»، [۲۵] «وزیر شریر»، [۲۶] «تقی سفاک» [۲۷] و «دشمن ستمکار و... خونخوار» [۲۸] می‌خواند و قتلش در حمام فین (به دست عمال استبداد و استعمار) را انتقام الهی! و «عذاب الیم» وی در حق او می‌شمارد:«امیر نظام رئیس الوزرا که سبب شهادت حضرت اعلی گشت و برادرش، وزیر نظام، که با او در این جریمه شرکت داشت پس از دو سال به جزای عمل خویش رسیدند و به عذاب الیم مبتلا گشتند. دیوار حمام فین کاشان از خون امیر نظام صدر اعظم رنگین گشت. هنوز هم آن خون باقی است و بر ظلم و ستمی که از دست امیر نظام به وقوع پیوسته شاهدی صادق و گواهی راستگو و ناطق است». [۲۹] . محمدعلی فیضی، امیر را با عنوان «امیر مغرور» فرو کوفته [۳۰] و ابوالفضل گلپایگانی با اطلاق عنوان «سفاح» (خونریز) و «به غایت مستبد» بر امیر [۳۱] می‌گوید: «اتابک اعظم در علاج کار [بابیان] فرو ماند و عاقبت در آن نزدیکی جان در سر کار تهور و استبداد نهاد. زیرا که پادشاه جوان از مقاصد خفیه او [؟!] آگاه شد و از سوء سیاست او منزجر گشت و رجال دولت به جهت استبداد او در امور

مملکت از نیکخواهی او دوری جستند و عاقبت او را به حکم پادشاه از مناصب دولتی معزول... و... در حمام فین او را به جهان دیگر فرستادند»! [۳۲] .

## گواهی تاریخ، اما نه این است!

عناصر بهائی چنان که دیدیم، از سر کینه، امیر را فردی بدفرجام خوانده و «مرگ سرخ و زیبای» او در خط مبارزه با استبداد و استعمار را، کیفر سوء الهی در حق وی شمرده‌اند! اما اینک که پس از گذشت حدود ۱۸۰ سال از قتل آن رادمرد به جایگاه او در تاریخ معاصر ایران می‌نگریم، می‌فهمیم که امیر اگر ۱۰۰ سال دیگر هم می‌زیست، هرگز این درجه از نفوذ و محبوبیت را در قلب ملت ایران به دست نمی‌آورد. در واقع، او با این مرگ خونین و زودرس، تبدیل به اسطوره‌ای شد که همواره به کوشندگان راه آزادی و استقلال ایران، درس همت و صلابت و فداکاری می‌دهد. کنت دو گوبینو (وزیر مختار مشهور سفارت فرانسه در ایران عصر ناصری) درست چهار سال پس از قتل امیر یعنی در فوریه ۱۸۵۶ با اشاره به مرحوم امیر می‌نویسد: ملت ایران، دیوانه و دلباخته مردی شده است که تا چهار سال پیش، صدر اعظم کشور بوده است. از مرز ترکیه تا سر حد افغانستان هیچ کسی از غنی و فقیر و خرد و کلان نیست که تمام عناوین تعظیم و تجلیل و محبت را در موقع یادآوری از این مرد به کار نبرد. می‌گویند:«عادل، وظیفه‌شناس، فعال و کاری بود، از سرباز و کشاورز حمایت می‌کرد و خیر ایران را می‌خواست عملی کند؛ از این هم بهتر بود». تعجب در این است که نه تنها کسی با این نظر مخالف نیست، بلکه این عقیده مورد قبول و تصدیق وزرای فعلی و حتی خود شاه هم می‌باشد. آیا برای این قضیه می‌توان در اروپا نظیری یافت؟ آیا شخصیت معاصری هست که هر قدر هم بزرگوار و صاحب مقام باشد اقلا مورد مذمت نصف مردمی‌باشد که از او سخن می‌گویند؟ پس صدر اعظم سابق ایران از این حیث بی‌نظیر و ممتاز است... [۳۳] . چه می‌گویم؟ حتی لحن بهائیان نیز در این اواخر (ناگزیر) نسبت به امیر نرم‌تر شده و در واقع مجبور شده‌اند از لحن تند خود نسبت به او بکاهند؛ هر چند هنوز برق «کینه» از لابلای آن چشم را می‌زند. [۳۴] .

## پاورقی

[۱] امیرکبیر و ایران، فریدون آدمیت، خوارزمی ۱۳۵۵، ص ۳.

[۲] همان، ص ۳۱۸.

[۳] «غروب امیر»، حسن مرسلوند، گنجینه‌ی اسناد، سال ۴، ش ۴، زمستان ۱۳۷۳، صص ۵۱.

[۴] برای متن نامه‌ها، ر.ک، همان، صص ۵۲ -۵۱.

[۵] «غروب امیر»، همان، ص ۵۲.

[۶] شرح حال رجال ایران، کتابفروشی زوار، تهران ۱۳۴۷، ۱ / ۲۱۳.

[۷] همان، ۲ / ۴۸۱ - ۴۸۲.

[۸] فتنه باب، اعتضاد السلطنه، ص ۲۰۰.

[۹] باب کیست و سخن او چیست؟، نورالدین چهاردهی، صص ۸۵ -۸۴. ]

[۱۰] مطالع الانوار (THE DAWN BREAKERS)، تلخیص تاریخ نبیل زرندی، ترجمه و تلخیص عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۴ بدیع، ص ۵۸۹.

[۱۱] همان، ص ۵۹۰، نیز ر.ک، صص ۵۱۲ -۵۱۳- ۴۹۳- ۴۹۷.

[۱۲] به شمار آمدند.».

[۱۳] دیانت بهائی آیین فراگیر جهانی، ترجمه پریوش سمندی (خوشبین) و...، از انتشارات موسسه معارف بهائی به لسان فارسی، کانادا، ۱۳۶ بدیع / ۱۹۸۹م، بخش پی‌نوشت‌های آخر کتاب، ص ۲۴.

[۱۴] مطالع الانوار، همان، صص ۵۸۵ –۵۸۴.

[۱۵] ظهور الحق، ۳ / ۲۲۲؛ عهد اعلی...، ص ۳۸۱.

[۱۶] شرح ماجرا در کتاب فتنه باب، نوشته اعتضاد السلطنه ص ۹۵ به بعد آمده است.

[۱۷] قبله عالم، ص ۲۸۷.

[۱۸] عهد اعلی...، ابوالقاسم افنان، ص ۴۹۳.

[۱۹] باب کیست و سخن او چیست؟، ص ۲۶۶.

[۲۰] ر.ک، امیرکبیر و ایران، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۵۵، ص ۴۵۱، کتاب المتنبئین، با عنوان «فتنه باب»، با مقدمه و تعلیقات نوایی، توسط انتشارات بابک، چاپ شده است.

[۲۱] مقاله شخصی سیاح...، صص ۳۵ –۳۴.

[۲۲] ر.ک، توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله، لوح قرن اجباء شرق (نوروز ۱۰۱ بدیع)، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۳ بدیع، ص ۴۹ و ۵۱.

[۲۳] همان، صص ۱۸۱ –۱۸۲.

[۲۴] ر.ک، قرن بدیع، ۱ / ۲۵۸ – ۲۴۷.

[۲۵] مطالع الانوار، ص ۴۹۳.

[۲۶] همان، ص ۵۹۰.

[۲۷] رحیق مختوم، «قاموس لوح مبارک قرن»، عبدالحمید اشراق خاوری، موسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ بدیع، ۱ / ۳۲۶، ردیف ت.

[۲۸] مطالع الانوار، ص ۵۰۹.

[۲۹] همان، صص ۵۱۳ –۵۱۲ نیز ر.ک، ص ۵۸۹.

[۳۰] حضرت نقطه اولی ۱۲۳۵ –۱۲۶۶ هجری / ۱۸۱۹ – ۱۸۵۰ میلادی، ص ۳۱۶.

[۳۱] تاریخ ظهور دیانت حضرت باب و حضرت بهاءالله، به خط میرزا ابوالفضل گلپایگانی، ص ۱۱.

[۳۲] همان: ص ۱۵.

[۳۳] ر.ک، مجله پاریس، سال ۴۰، ش ۴، فوریه ۱۹۳۳؛ مجله محیط، مدیر: سید محمد محیط طباطبایی، سال ۱، ش ۱، شهریور ۱۳۲۱ ش، ص ۳۰.

[۳۴] برای نمونه ر.ک، اظهارات ابوالقاسم افنان، مورخ معاصر بهائی، در عهد اعلی...، ص ۳۸۸ و ۳۹۰؛ مجله «پیام بهائی»، شماره ۲۹۶، ژوئیه ۲۰۰۴، «یادداشت ماه».

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسـیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹